ادامه از صفحه ۲

اگر رئیس‌جمهور دیگری در آمریکا بود کار انجام شده بود

پرونده‌سازی با شنود هنر نیست

همچنین به گزارش ایسنا، رئیس‌جمهوری شامگاه دوشنبه در مراسم افتتاح چند طرح در کرمان، گفت: «اگر همه چیز در کشور باشد اما اخلاق نباشد، به جایی نمی‌رسیم. متأسفانه امروز در کشور همدیگر را خُرد می‌کنیم، قدرت خود را علیه یکدیگر استفاده می‌کنیم. حزب و جناح و رقابت سر جای خودش خوب است، اما متأسفانه احزاب ما فکر می‌کنند باید هر روز با یکدیگر دعوا کنند. بیاییم این بی‌اخلاقی‌ها را کنار بگذاریم».

روحانی افزود: «تا یک نقطه ضعف از یکدیگر پیدا می‌کنیم، آن را بزرگ و بزک می‌کنیم. این در حالی است که همه خوبی‌هایش را فراموش می‌کنیم. بله همه آدم‌ها نقطه ضعف دارند. هر کسی یک نقص و عیبی دارد. شما در زندگی کسی شنود بگذارید، خب حتما خطایی پیدا می‌کنید. اگر بنا بود همه چیز را افشا کنیم و پول مردم را برداریم و دستگاه بگذاریم در دفتر مردم، قطعا خطایی پیدا خواهیم کرد. امروز دیگر مردم آزاد تبادل می‌کنند و با هم در ارتباط هستند. مردم را آزار ندهیم، بر مبنای اخلاق اسلام با هم رفتار کنیم. عیب‌ها را بپوشانیم همان‌طور که خداوند ستارالعیوب است. یک وقتی پرونده هست که هیچ؛ اما یک وقتی می‌خواهیم پرونده بسازیم و رسیدگی کنیم و صاحب تکنولوژی و قدرت هم باشیم که دیگر پرونده درست‌کردن هنر نیست، به پرونده درست رسیدگی‌کردن کار خوب و صحیح است».

«مظنونین همیشگی» شبکه۳

او توضیح می‌دهد: «اصل بر این است که باید دادگاه‌ها علنی برگزار شود. قانون اساسی نیز می‌گوید اصل بر این است که دادگاه علنی برگزار شود، مگر در موارد معدودی مثل مسائل منافی عفت یا امنیتی». نوروزی این اصل را به پخش مستند صداوسیما هم تسری می‌دهد: «بنابراین اگر مطلبی را صداوسیما از دادگاه پخش کند اشکالی ندارد. مثل متهمان اقتصادی که در حال محاکمه هستند و دادگاه آنها از صداوسیما پخش می‌شود. اما به نظر من خوب است که دادگاه‌ها کامل پخش شود و من فکر می‌کنم مغایرتی با قانون ندارد».

شفافیت یا ذبح شفافیت؟

«این شفافیت نیست. این شفافیت یک‌طرفه است»؛ این را عبدالکریم حسین‌زاده، نایب‌رئیس فراکسیون امید می‌گوید. حسین‌زاده درباره رویکرد صداوسیما و برخی رسانه‌ها درباره پرونده محیط‌زیستی‌ها توضیح می‌دهد: «ما هم موافق شفافیت هستیم، اما چنین رویکردی بیان نظرات یک طرف دعواست. بنابراین کسانی هم که از آن دفاع می‌کنند اگر دلسوز شفافیت هستند بدانند که این ذبح شفافیت است». حسین‌زاده نیز می‌گوید که می‌توان دادگاه را علنی برگزار کرد یا صداوسیما آن را پخش کند. او می‌گوید: «در این شرایط مردم می‌توانند به‌عنوان بی‌طرف به قضاوت بپردازند». حسین‌زاده اضافه می‌کند: «رویکرد صداوسیما از یک پرونده شخصی مثل پرونده آقای نجفی گرفته تا پرونده ملی محیط‌زیستی‌ها را منصفانه و درست نمی‌دانم. متهمان باید در دادگاه حضور پیدا کنند و بعد از اینکه جرم آنها اثبات شد می‌توانیم درباره چنین موضوعاتی حرف بزنیم. کار صداوسیما در وهله اول غیرقانونی است و در چارچوب شرع و عرف نیز قرار نمی‌گیرد». حسین‌زاده به محل بودجه صداوسیما نیز اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: «منابع درآمدی صداوسیما از محل پرداخت مالیات من است. حتی اگر من متهم باشم. بنابراین صداوسیما باید نسبت به حقوق آحاد ملت در تهیه و پخش برنامه‌های خود رعایت حق را بکند». حسین‌زاده که یکی از نمایندگان پیگیر پرونده محیط‌زیستی‌هاست، اضافه می‌کند: «بعد از تغییر رئیس قوه قضائیه مردم انتظار تغییر دارند. این انتظار تغییر باید در بازبینی احکامی که صادر می‌شود خود را نشان دهد. مدت‌های مدیدی است که خانواده‌ها به ما مراجعه می‌کنند. انتظار ما از دستگاه قضائی این است که با تغییردادن اقداماتی مانند شعبه پرونده، قاضی پرونده و تشکیل کارگروه ویژه بازبینی به خانواده‌ها و افکار عمومی اثبات کند که فرایند دادرسی عادلانه اتفاق می‌افتد».

چه خواهد شد؟

طاهر قدیریان، دانشمند جوان برگزیده سال ۲۰۰۸ یونسکو، سام رجبی، فرزند دکتر پرویز رجبی، نیلوفر بیانی، کارشناس دفتر سازمان ملل در سوئیس، هومن جوکار، رئیس پروژه بین‌المللی حفاظت از یوز ایرانی- آسیایی، سپیده کاشانی، کارشناس نخبه دانشکده محیط زیست، امیرحسین خالقی، عبدالرضا کوهپایه‌زاده، از فعالان برجسته محیط زیست و مراد طاهباز، ایرانی دوتابعیتی که تاجری ایرانی است که بخش بسیاری از سرمایه خود را صرف حفاظت و تحقیقات درباره حیات‌وحش ایران کرده، هشت نفری هستند که قریب به دو سال در بازداشت موقت هستند. اتهام هشت فعال محیط‌زیستی جاسوسی و ارتباط با دولت‌های است که متخاصم بیگانه است. دادگاه محیط‌زیستی‌ها هنوز ادامه دارد. پرونده محیط‌زیستی‌ها فرازونشیب‌های زیادی داشته و تاکنون بارها روند دادگاه آنها متوقف شده است.

سلامتی، جوادی‌حصار، زیباکلام و ناصری در گفت‌وگو با «شرق» بررسی کردند

پیچ تند روحانی

جوادی‌حصار: سرمایه اجتماعی اصلاحات باعث پیروزی روحانی شد

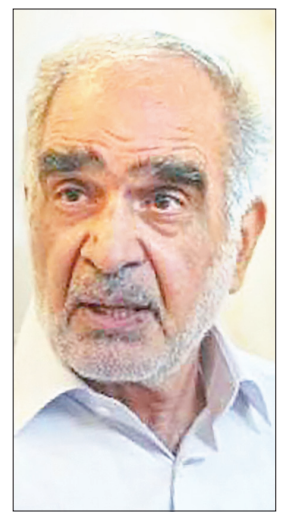

مهرشاد ایمانی: سخنان چند روز اخیر حسن روحانی در شهرهای مختلف واکنش‌های متفاوتی را به‌همراه داشت که شاید بتوان گفت مواجهه انتقادی با صحبت‌هایش بیش از واکنش‌های مثبت بود. فارغ از تحلیل محتوای اظهارات رئیس‌جمهور و درست یا نادرست‌بودنش‌بودن، از مخالفت‌های عدیده با او چنین به نظر می‌رسد که حسن روحانی بعد از گذشت بیش از شش سال از ریاست‌جمهوری‌اش دیگر سرمایه اجتماعی سال ۹۲ را ندارد. از سوی دیگر با بالاگرفتن انتقادهای اصلاح‌طلبان به عملکرد دولت، بخش‌های زیادی از جبهه اصلاحات رسما اعلام کرده‌اند که دیگر با نیروهای غیراصلاح‌طلب ائتلاف نخواهند کرد. از پس این مهم این پرسش مطرح می‌شود که در شرایطی که نیروهای حمایت‌کننده روحانی یعنی اصلاح‌طلبان از او دوری می‌کنند و بخش‌های زیادی از اصولگرایان نیز نقدهای تندوتیزی به دولت مطرح می‌کنند؛ اکنون پایگاه سیاسی حسن روحانی کجاست؟ دیگر آنکه برخی باور دارند که حسن روحانی خاصه در دور دوم ریاست‌جمهوری‌اش تا حدی سعی کرد به خوانش رسمی نزدیک شود که همین عامل هم بحث‌هایی درباره نوع سیاست‌ورزی روحانی مطرح کرد. با مجموع این موارد می‌توان در سه حوزه مناسبت حسن روحانی با حاکمیت و سرمایه اجتماعی و پایگاه سیاسی را در قالب پرسش‌هایی مطرح کرد که محمد سلامتی، محمدصادق جوادی‌حصار، صادق زیباکلام و عبدالله ناصری به آنها پاسخ داده‌اند.

محمد سلامتی: راه اعتدال ادامه می‌یابد

محمد سلامتی باور دارد که حسن روحانی به بخش عمده‌ای از مطالبات مردم در حوزه سیاست داخلی و سیاست خارجی جامه عمل پوشاند، اما در زمینه‌های اقتصادی ضعیف عمل کرد. او درباره چگونگی مواجهه سرمایه اجتماعی روحانی بعد از این سال‌ها به «شرق» گفت: «آقای روحانی توانست در زمینه سیاست داخلی تحولات مهمی را ایجاد کند و در زمینه سیاست خارجی هم تیم دیپلماسی دولت به بهترین شکل ممکن عمل کرد، اما در حوزه اقتصادی نتوانست آن‌طورکه انتظار می‌رفت عمل کند. من باور دارم که سرمایه اجتماعی او تغییری نکرده است؛ مشخصا آنکه اصلاح‌طلبان هنوز هم از او حمایت می‌کنند، زیرا شرط انصاف نیست که او را رها کنند. از سوی دیگر منش آقای روحانی، وجه اعتدال‌گونه دارد، علاوه بر اصلاح‌طلبان بخش‌هایی از اصولگرایان که با نگاهی منطقی به عرصه سیاست می‌نگرند، از او حمایت می‌کنند».

سلامتی در پاسخ به این پرسش که آیا حسن روحانی می‌تواند در آینده سیاسی ایران تأثیرگذار باشد و طیف اعتدال در وجوه مختلف ادامه یابند یا حتی تکثیر شوند، اظهار کرد: «اصولگرایان در میان خود اختلافات عمیقی با یکدیگر دارند، اما آنچه مشخص است، برتری‌یافتن اصولگرایان معتدل بر اصولگرایان تندرو در آینده است؛ به عبارت دیگر بخش‌هایی از اصولگرایان دریافته‌اند که باید با منطق در عرصه سیاسی قدم برداشت؛ ازاین‌رو آقای روحانی و راه او در آینده چه در مجلس یا نهادهای دیگر ادامه پیدا می‌کند. البته این مهم به معنی نفی انتقادهایی نیست که به دولت‌های یازدهم و دوازدهم وارد است و قطعا در حوزه اقتصادی مشاوران کم‌تجربه و نوع مواجهه دولت با مشکلات، محل نقدهای جدی است؛ اما مجموعا راه اعتدال ادامه می‌یابد».

جوادی‌حصار: روحانی بعد از ریاست‌جمهوری‌اش گوشه چشمی به پست‌های کلیدی خواهد داشت

محمدصادق جوادی‌حصار، تحلیلگر سیاسی، باور دارد که سرمایه اجتماعی حسن روحانی منحصر به شخص او نبود. او در پاسخ به این پرسش که این سرمایه اجتماعی اکنون در چه وضعیتی به سر می‌برد، به «شرق» گفت: «سرمایه اجتماعی آقای روحانی برگرفته از دوستداران آقای هاشمی بود و در یک مقطع خاص او توانست از سرمایه اجتماعی آقای هاشمی استفاده کند؛ مقطعی که مرحوم هاشمی هم مظلوم واقع شد و هم از امکان حضور در انتخابات محروم شد. اصلاح‌طلبان هم از سوی دیگر به‌دلیل یک ضرورت سیاسی با یک نیروی اصولگرای معتدل ائتلاف کردند. این دلایل دست‌به‌دست هم داد تا همه تصور کنند که سرمایه اجتماعی آقای روحانی از نامزد اصلاح‌طلبی مانند آقای عارف بالاتر است؛ درصورتی‌که چنین نبود، زیرا روحانی به‌واسطه خودش سرمایه اجتماعی خاصی جز اندک رأیی در پایگاه سنتی اصولگرایی‌اش نداشت. بعد از انتخابات سال ۹۲ حزب اعتدال و توسعه که پایگاه اصلی آقای روحانی محسوب می‌شد، به سمت تحول حرکت کرد و به ساماندهی نیروهای خود پرداخت و تا حدی توانست جذب نیرو کند. این حزب تمایل داشت سال ۹۶ میدان‌دار انتخابات باشد، اما بازهم نتوانست، زیرا مردم هنوز هم به افراد حاضر در حزب اعتدال و توسعه رأی نمی‌دادند؛ بنابراین بار دیگر سرمایه اجتماعی جبهه اصلاحات باعث پیروزی آقای روحانی شد و در یک فضای دوقطبی میان اصلاح‌طلبان و اصولگرایان روحانی پیروزی را از آنِ خود کرد، زیرا در سال ۹۶ حتی اصولگرایان میانه‌رو هم از آقای رئیسی حمایت می‌کردند. البته هر رئیس‌جمهوری در سال‌هایی که بر کرسی ریاست تکیه زده است، طرفدارانی پیدا می‌کند که آقای روحانی هم از این قاعده مستثنا نیست. او در دوره اول ریاست‌جمهوری‌اش وعده‌هایی داد که به بخش مهمی از آنها جامه عمل پوشاند، اما در دوره دوم نتوانست شعارهایش را عملیاتی کند و به‌همین‌دلیل بخشی از سرمایه اجتماعی‌اش را که مربوط به طبقه متوسط می‌شد، از دست داد. البته باید توجه کرد که دلایل متفاوتی مانند فشارهای داخلی و خارجی، تحریم‌ها و به تبع آن اوضاع نامناسب اقتصادی و... هم در ناکامی روحانی در تحقق وعده‌هایش بی‌تأثیر نبودند».

جوادی‌حصار درباره نوع مناسبت روحانی با سایر دستگاه‌ها هم اظهار کرد: «او هیچ‌وقت جدای از حاکمیت نبوده و تمام اهداف و خواسته‌هایش هم منطبق با خوانش رسمی است. او در جایی با برخی نیروها به مشکل برمی‌خورد که تزاحم منافع دولت با جریان‌های دیگر ایجاد شود که در این صورت گاه دور و گاه به خوانش رسمی نزدیک می‌شود».

او در پاسخ به این پرسش که اکنون پایگاه و جناح سیاسی روحانی چه طیفی محسوب می‌شود، گفت: «من فکر می‌کنم که آقای روحانی نه اصلاح‌طلب است و نه اصولگرا و حتی آن زمانی که پایگاهش اصولگرایی محسوب می‌شد، یک نیروی مطرح اصولگرا نبود؛ زیرا همیشه قرابت فکری با مرحوم هاشمی داشته است.

او همواره چهره مستقلی داشته است و من که او را از گذشته می‌شناسم، می‌دانم که رگه‌های روشنفکری هم دارد زیرا از گذشته از آرای دکتر شریعتی حمایت می‌کرد و سعی می‌کرد خود را یک چهره علمی و آکادمیک معرفی کند. آقای روحانی بعد از دوران ریاست‌جمهوری‌اش هم گوشه چشمی به پست‌های کلیدی خواهد داشت و سعی می‌کند به‌عنوان یک چهره معتدل در نهادهایی که فعالیت خواهد کرد، اثرگذار باشد».

صادق زیباکلام: آینده سیاسی روحانی نه مثل احمدی‌نژاد می‌شود، نه مثل خاتمی

صادق زیباکلام، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران هم درباره سرمایه اجتماعی فعلی روحانی به «شرق» گفت: «پاسخ شما را با ذکر حال خودم عرض می‌کنم. من کسی بودم که از اواخر سال ۹۵ تا انتخابات ریاست‌جمهوری سال۹۶ در برابر همه آنهایی که مسئله تحریم انتخابات را مطرح می‌کردند، می‌گفتم که هیچ راهی جز صندوق انتخابات و رأی‌گیری برای بهبود اوضاع وجود ندارد. یا یاد دارم که به بسیاری از شهرها سفر می‌کردم و با مردم و نخبگان سیاسی سخن می‌گفتم که رأی‌دادن به آقای روحانی از جهات مختلف مناسب است و برای این سخنم دلیل می‌آوردم. من از آقای روحانی می‌پرسم که چه جوابی باید به تمام آنهایی که به دلیل سخنان من به او رأی دادند، بدهند؟ اکنون من باید چه بگویم؟ من و امثال من توانستیم بخش قابل‌توجهی از آرای خاکستری را که تا لحظات پایانی انتخابات قصد رأی‌دادن نداشتند، پای صندوق‌ها بیاوریم. من که در خیابان راه می‌روم، مردم می‌گویند که آقای زیباکلام شما ما را فریب دادی و من هیچ پاسخی ندارم که بدهم. در حقیقت بزرگ‌ترین لطمه‌ای که از سال۹۶ تا کنون وارد شد، آسیب به اعتماد عمومی به مشارکت در انتخابات بود و از همین نقطه سرمایه اجتماعی آقای روحانی کاهش یافت. این مهم تا جایی است که چندی پیش آقای خاتمی به واقعیتی تلخ اشاره کرد و گفت تَکرار می‌کنم‌های من هم دیگر اثر ندارد. البته هنوز هم باور دارم که تنها راه اصلاح از صندوق‌های رأی می‌گذرد و در مناظره‌هایی که با نیروهای اپوزیسیون می‌کنم، می‌گویم شما که می‌گویید صندوق رأی هیچ برون‌داد مثبتی ندارد، بگویید که مردم چه باید بکنند؟ اگر بگویند که باید نظام سیاسی تغییر کند، آنجاست که می‌گویم در این صورت تردید نکنید که با تغییر نظام، کشور ایران حداقل به ۵۰ سال قبل بازمی‌گردد».

زیباکلام در پاسخ به این پرسش که آیا روحانی در دولت دوم خود تغییر کرد یا خیر، اظهار کرد: «آقای روحانی به‌جای آنکه سعی کند خواست طیف وسیع رأی‌دهندگان را تأمین کند، تلاش کرد که مبادا رقیب از او مکدر شود. من از آقای روحانی هیچ تصور غیرواقعی‌ای ندارم؛ نه او را گاندی می‌بینیم، نه ماندلا، نه مهندس بازرگان و نه دکتر مصدق و این را هم می‌دانم که حوزه اختیاراتش از حیث قانونی و سیاسی چیست اما واقعیت این است که او با همین اختیارات هم برای مطالبات مردم اقدام ویژه‌ای انجام نداد. او دغدغه‌هایی مانند رفع حصر، آزادی مطبوعات و گشایش‌های سیاسی را به‌عنوان شعارهای خود مطرح کرد اما این شعارها محقق نشد؛ یا از مقطعی به بعد به مردم نشان نداد که مخالف رویکردهای تند در حوزه سیاست خارجی است. او می‌توانست حداقل به مردم نشان دهد که خواستار اصلاح مشکلات است و ما مردم می‌گفتیم که ایراد ندارد، از دستش کاری برنمی‌آید؛ اما اکنون جوان‌ها می‌پرسند که آیا اصلا آقای روحانی به تحقق شعارهایی که داد، باور داشت یا خیر؟».

این استاد دانشگاه درباره پایگاه حزبی روحانی هم گفت: «تصور می‌کنم آقای روحانی دیگر نه پایگاه چندانی در میان اصلاح‌طلبان دارد و نه در میان اصولگرایان و او بعد از دوران ریاست‌جمهوری‌اش نه مثل احمدی‌نژاد می‌شود و نه مثل خاتمی؛ زیرا به جرئت می‌گویم که با تمام نقدهای مهمی که به احمدی‌نژاد داریم اما اگر او همین امروز نامزد ریاست‌جمهوری شود، حداقل بین ۱۰ تا ۱۵ میلیون رأی می‌آورد و آقای خاتمی هم هنوز در میان دانشجویان و روشنفکران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است».

عبدالله ناصری: روحانی می‌خواست شبیه هاشمی باشد اما نشد

عبدالله ناصری، فعال سیاسی اصلاح‌طلب هم درباره سرمایه اجتماعی باقی‌مانده حسن روحانی اظهار کرد: «سرمایه اجتماعی آقای روحانی به‌شدت کاهش یافته است و این امر پنهانی نیست و می‌توان به‌روشنی در سطح جامعه آن را مشاهده کرد. علت این مهم هم پشت‌کردن رئیس‌جمهور به وعده‌هایی بود که در سال ۹۶ داد. دولت دوم روحانی به‌مراتب از دولت اولش ضعیف‌تر است و همه علل این ضعف باعث شد که طبقه متوسط و کنشگران اجتماعی و سیاسی که سبد رأی او را تشکیل می‌دادند، ناامید شوند». او همچنین درباره تغییر رویکرد روحانی گفت: «اتفاقا من باور دارم که آقای روحانی حتی نتوانست به کانون‌های اصلی قدرت نزدیک شود. یعنی دست‌کم وقتی سرمایه اجتماعی‌اش از دست رفت، نتوانست تعاملی سازنده با حاکمیت برقرار کند تا از این طریق بتواند بخشی از مشکلات را حل کند». ناصری در پایان در پاسخ به این پرسش که آیا حسن روحانی می‌تواند در آینده سیاسی ایران اثربخش باشد یا نه، تصریح کرد: «آقای روحانی می‌خواست شبیه به آقای هاشمی‌رفسنجانی باشد و با میانه‌روی در موقعیت‌های خاص تأثیرگذار باشد اما در عمل دچار یک بی‌عملی شد و هویت سیاسی خود را مخدوش کرد؛ بنابراین سخت است که بتواند بازهم در عرصه سیاسی تأثیر خاصی بگذارد».

الو شرق ۸۸۹۴۸۲۷۳

sharghline@sharghdaily.ir
پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● **میوه‌های بی‌مزه!** در گفت‌وگو با برخی میوه‌فروشان درباره اینکه کیفیت میوه‌ها پایین آمده و بی‌مزه شده‌اند میوه‌فروشان بر این عقیده‌اند که برخی کشاورزان برای اینکه درختان باغ‌های کشاورزی میوه‌های بیشتری دهند از کودهای شیمیایی و آب فراوان استفاده می‌کنند که این باعث شده محصولات صیفی‌جات بدون کیفیت و مشتریان ناراضی شوند. این مسئله درباره برخی غرفه‌های وابسته به شهرداری هم وجود دارد. به‌راستی وزیر جهاد کشاورزی چه توجیهی برای این موضوع دارد؟

علی‌اکبر فرقانی

● **دستگاه‌های کارت بلیت اتوبوس‌ها را تعمیر کنند:** برخی دستگاه‌های کارت بلیت اتوبوس‌های شرکت واحد هنگام ثبت کارت چراغشان قرمز می‌شود و سوت می‌کشد. بجاست مسئولان شرکت واحد دستگاه‌هایی را که نقص فنی دارند، تعمیر کنند.

عباس محمدی

● **ترافیک، کلاف سردرگم:** ترافیک خیابان ولیعصر(عج) حدفاصل پارک‌وی- تجریش کلاف سردرگمی است که بیشتر ساکنان و افرادی که مجبورند از این مسیر عبور کنند ساعت‌ها وقت مفیدشان در ترافیک آزاردهنده هدر می‌رود. عده‌ای هم به‌جای استفاده از وسایل نقلیه عمومی از وسیله شخصی استفاده می‌کنند که مزید بر علت است.

آرنوشا گلپایگانی

● **خیابان آبشار را دریابید!** خیابان آبشار، منشعب از خیابان هفده‌شهریور تهران قدیمی و کم‌عرض است. پیاده‌رو ندارد و عبور خودروها و عابران به‌سختی انجام می‌شود. این خیابان به تعریض و توجه جدی نیاز دارد.

الهه علوی

● **مردم تراول‌های تقلبی را چگونه بشناسند؟** بسیاری از مردم هنگام خرید تستر تراول به همراه ندارند، از این‌رو هنگام خرید یا دادوستد مجبورند تراول رد و بدل کنند، اما از تقلبی‌بودن آنها اطلاع ندارند و در صورت مراجعه به بانک فورا آن را از رده خارج و سوراخ می‌کند. مردم چگونه می‌توانند بدون استرس از تقلبی‌بودن تراول‌ها اطلاع پیدا کنند؟

سیدعلی